

حوادث

سید خلیل سجاد پور - با دستگیری پنج عضو باند معروف به «کولاج» در مشهد، تلاش پلیس برای به دام انداختن سر کرده فراری و دیگر اعضای باند سرعت محتویات داخل خودروهای پراید در حالی ادامه دارد که زنان معتاد بیشترین اعضای این باند حرفه ای را تشکیل می دهند! به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، سیر صعودی دستبرد به محتویات داخل خودروهای مدل پایین در شرق مشهد و تشکیل پرونده های مختلف در مراکز انتظامی، موضوعی بود که فرمانده انتظامی مشهد در بازدیدهای میدانی و سر زده از کلانتری ها، بر آن مهر تایید زد و از نیروهای انتظامی خواست با اجرای طرح های ویژه در حوزه استحفاظی برای شناسایی و دستگیری سارقان اقدام کنند.

با صدور این دستور، پرونده های سرعت محتویات خودر دو بهاره باز خوانی شد و دوربین های مدار بسته و ترافیکی شهر مورد بازربینی های دقیق تر قرار گرفت تا این که در یکی از صحنه های سرعت، تصویر تاریکی از یک «مرد» دیده شد که چند متر آن طرف تر نیز ز نانی در حال عبور از محل سرعت بودند. با استخراج این تصاویر از دوربین های ترافیکی، تحقیقات پلیس به صورت عملیات نامحسوس میدانی آغاز شد. در همین حال چند نفر از اهالی محل های وقوع سرعت در شهر ک طرق تایید کردند که زنان مذکور را به همراه آن مرد

دیده اند، اما تصور کرده اند که آن ها عضو یک خانواده هستند!

گزارش روز نامه خراسان حاکی است با این سرخ مهم، گروه ورزیده ای از نیروهای تخصصی کلانتری طرق مشهد، به سرپرستی سرگرد سید امیر موسوی (رئیس کلانتری) تشکیل شد و عملیات رز دنی سارقان در حالی ادامه یافت که بررسی ها نشان داد بیشتر اعضای باند سرعت، زنان آسیب پذیر و معتاد هستند!

آن ها با استفاده از تجربیات تخصصی سرهنگ احمدنگهبان (رئیس پلیس مشهد) به تقویت گشت های نامحسوس پرداختند و از سوی دیگر صدهای

اطلاعاتی را با شیوه های فنی و پلیسی ادامه دادند تا این که مشخص شد مرد ۳۵ ساله ای به همراه چند زن جوان و در ساعات گرگ و میش سپیده دم، به خودروهای پراید پار ک شده در حاشیه خیابان هادستبردمی زند. به همین دلیل گشت های بامدادی وارد کوچه پس کوچه های شهر ک شدند و به صورت چراغ خاموش

سرکرده دزدان سابقه دار گریخت!

ماجرای تبهکاران باند «کولاج»

به گشت زنی ادامه دادند. طولی نکشید که ساعت ۴ بامداد سیزدهم آذر، یکی از افسران گشت از طریق منابع ومخبران محلی از حضور دوزن جوان مطلع شد که به طرز مشکوکی وارد خیابان شهید رشیدیان شدند و



عکس: خراسان

مشخصات آنان با ز نانی مطابقت داشت که از تصاویر دوربین های ترافیکی «چهره زنی» شده بودند. این گونه بود که بی درنگ خودروی گشت اعاز محل مذکور شد. نیروهای انتظامی در یک عملیات غافلگیرانه هماهنگ دوزن ۴۰ و ۳۵ ساله را هنگام سرعت لوازم داخلی پراید

دستگیر کردند. با انتقال دو سارق به مقر انتظامی، کوله پشتی همراه آنان بازرسی ومقداری اموال سرقتی به همراه ابزار سرعت و تعداد زیادی کلید و شاه کلید از آنان کشف شد. دوزن یاد شده که در ابتدا منکر هر گونه ارتکاب جرمی بودند و ادعا می کردند برای ورزش صبحگاهی از خیابان در حال عبور بودند، پس از بازجویی های فنی به ناچار خود را عضو باند «کولاج» معرفی کردند و به این ترتیب راز سرعت های محتویات داخل خودرو فاش شد. «شیرین» و «مریم» به افسران باز جو گفتند، سر کرده باند، مرد ۳۵ ساله ای معروف به «کولاج» است که قبل از حضور نیروهای گشت از محل سرعت گریخت؛ چرا که او قبل از ما از ورود خودروی گشت انتظامی به خیابان مطلع شده بود! «کولاج» دزدی سابقه دار و حرفه ای است که ز نان معتاد را برای انجام سرعت های کار می گیر و دو افراد دیگری نیز عضو این باند هستند!

بر اساس گزارش روز نامه خراسان، در پی اعتراضات متهمان، بلافاصله گروه ویژه عملیاتی کلانتری طرق با هماهنگی قاضی «صادق» برای دستگیری دیگر اعضای باند وارد عمل شدند و دو پاتوق تبهکاران در خیابان های شهر ک طرق را به محاصره در آوردند. سر کردگان این پاتوق ها نیز دوزن دیگر از اعضای باند «کولاج» بودند که با دستگیری آنان مقادیر دیگری اموال سرقتی و همچنین ۳/۵ کیلو گرم زعفران و مدارک هویتی و اعتباری کشف وضبط شد. در ادامه عملیات نیز مرد جوانی به نام «محمد» به دام افتاد که از سارقان سابقه دار و حرفه ای عضو این باند تبهکاری است. در بازرسی از مخفیگاه وی هم دو چرخه و اموال سرقتی دیگر شامل لوازم منزل و تعدادی دی وی دی به دست آمد که بیانگر دستبرد های برخی از اعضای باند به منازل شهروندان است، بنابراین تحقیقات گسترده پلیس مشهد برای دستگیری «کولاج» و دیگر اعضای مرتبط با این باند در حالی ادامه دارد که ورود مجریان قانون به تاریکخانه جرایم این باند تبهکاری نشان می دهد، سر کرده سابقه دار باند، ز نان آسیب پذیر و معتاد را برای دستبرد به خودروها به کار می گیر د تا شهروندان هنگام ارتکاب جرم به آنان مشکوک نشوند و عاملان سرعت ها را اعضای یک خانواده تصور کنند که در حال عبور از کوچه و خیابان هستند!

شعله های آتش در زیر زمین

هتل خاموش شد

گروه حوادث - امدادگران آتش نشانی شعله های سرکش آتشی را خاموش کردند که از زیر زمین یک هتل در مشهد، زبانه می کشید. به گزارش خراسان، این حادثه عصر روز گذشته در هتل همای ۲ مشهد رخ داد و نیروهای آتش نشان را با چندین دستگاه خودروی اطفای حریق و امداد و نجات به طبقه منفی ۲ کشاند، جایی که شعله ها از مجموعه سونای خشک زبانه می کشید. بنا بر این گزارش، نیروهای آتش نشان برای جلوگیری از سرایت آتش به طبقات دیگر وارد عمل شدند و پس از انجام عملیات اطفاء و تهویه، در حالی به ماموریت خود پایان دادند که تعدادی از مسافران هتل از میان دودها نجات یافتند. گزارش ها حاکی است نیروهای امدادی اورژانس، دو نفر را به دلیل مسمومیت ناشی از دود گرفتگی به مرکز درمانی منتقل کرده اند.



دستگیری قاتل ۵ عضو یک خانواده

پس از ۲۰ سال

کرد: قاتل در شهرستان رامسر برای تکمیل نیت مجرمانه خودو انجام قتل با اجاره موقت یک منزل مسکونی، در روز دوم حضورشان در دو مرحله جداگانه با ضربات متعدد چاقو چهار نفر اعضای یک خانواده را به قتل رسانده و پس از مخفی کردن اجساد آنان از محل متواری و از کشور خارج شده بود که پس از ۲۰ سال به شهرستان سیریک بازگشته بود. فرمانده انتظامی استان هرمزگان تصریح کرد: به محض اطلاع ماموران از بازگشت متهم از خارج ک کشور گروهی از ماموران به محل اختفای نامبرده در یکی از روستاهای تابعه شهرستان سیریک عزیمت و با تحقیقات گسترده میدانی و هماهنگی قضایی متهم را که با هویت جعلی تردمی کرد، شناسایی و در یک عملیات ضربتی پلیسی دستگیر کردند. این مقام ارشد انتظامی استان با بیان این که متهم در بازجویی های فنی به عمل آمده به قتل های انجام شده به دلیل تعصبات قومی و قبیله ای اعتراف کرد و دیگر عناصر دخیل در این قتل نیز شناسایی شدند، خاطر نشان کرد: قاتل دستگیر شده با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مرج قضایی معرفی و با قرار مناسب جهت تحمل مجازات روانه زندان شد.

فرمانده انتظامی استان هرمزگان گفت: با هوشیاری و تلاش کارآگاهان جرایم جنایی پلیس آگاهی استان هرمزگان یک قاتل متواری که در شهرستان رامسر استان مازندران مرتکب قتل پنج نفر از اعضای یک خانواده شده بود، در شهرستان سیریک شناسایی و دستگیر شد. به گزارش حادثه ۲۴، سردار غلامرضا جعفری در تشریح جزئیات این خبر بیان کرد: کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی استان در پی دریافت نامه رسیده از دادگاه کیفری استان هرمزگان مبنی بر قتل پنج نفر (یک مادر به همراه سه نفر از دخترانش و یک جنین شش ماهه) در شهرستان رامسر در بهمن ۱۳۸۱ و متواری شدن قاتل به خارج از کشور، موضوع را به صورت ویژه در دستور کار قرار دادند. وی افزود: در بررسی ها و تحقیقات اولیه انجام شده، مشخص شد، مادر مقتولان و دخترانش که مشکل اخلاقی داشتند و این موضوع حساسیت خانواده و اطرافیان را برانگیخته و برآن داشته است که درصدد قتل آنان بر آیند و با طرحنقشه قتل با یکدیگر توافق کنند و آنان را برای تفریح و گشت و گذار به شهرستان رامسر ببرند و در آن جانقشه شوم تولید خود را اجرایی کنند. سردار جعفری اظهار

تصادف مرگبار تریلی کمرشکن و ۷ خودرو در جنوب تهران

یک دستگاه وانت مزدا خسارت بیشتری دیده و تقریباً بر اثر این بر خور د متلاشی شده بودند، اما پنج دستگاه خودروی سواری دیگر کمتر خسارت دیده بودند. ملکی در باره افراد حادثه دیده در این تصادف نیز اظهار کرد: آتش نشانان مطلع شدند که یک آقای حدوداً ۵۰ ساله داخل خودروی سواری نیسان که بار آجر حمل می کرده، گرفتار شده است. آن ها با استفاده از تجهیزات مخصوص، کابین خودرو را برش دادند و او را بیرون آوردند که با تحویل این فرد به نیروهای اورژانس مشخص شد وی به دلیل شدت جراحت های وار د شده جان خود را از دست داده است.

وی افزود: این حادثه هفت مصدوم دیگر شامل دو خانم و پنج داشت که این افراد به نیروهای اورژانس تحویل و سپس به مراکز درمانی منتقل شدند. سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران اظهار کرد: خودروها به محل امنی در حاشیه مسیر منتقل شدند و محل برای بررسی علت حادثه به نیروهای پلیس راهنمایی و رانندگی تحویل شد. آتش نشانان نیز به ایستگاه خود بازگشتند.

بلعیدن مواد مخدر برای قاچاق به زندان

شد. هر چند قاچاقچیان احتیاط زیادی به خرج دادند تا نقشه شان بر ملا نشود، اما سرانجام ماموران با استفاده از سرخ هایی که به دست آورده بودند، موفق شدند اعضای این شبکه قاچاق مواد مخدر را به زندان شناسایی کنند. حجت الاسلام والمسلمین عبداللهی، رئیس مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضاییه روز گذشته در جلسه شورای عالی قوه قضاییه، از دستگیری اعضای این باند به اتهام وارد کردن مواد مخدر به زندان خبر داد و گفت: اعضای این شبکه، هفت نفر هستند که از طریق بلعیدن بسته های مواد مخدر قصد وارد کردن بیش از ۵ کیلوگرم مواد مخدر را به زندان داشتند، اما با هوشیاری ماموران دستگیر شدند.

بلعیدن مواد مخدر

برای قاچاق به زندان

در امتداد تاریکی

زنی در مرداب مواد افیونی

بعد از دو ماه جست وجو دختر جوان را در حالی پیدا کردم که اوضاع بسیار تاسف باری داشت و در سر چهارراه ها گدایی می کرد. به هر طریقی بود او را به خانه ام بردم تا از این وضعیت نجات دهم اما او... به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن ۴۹ ساله ای است که برای کمک به دختر ۲۳ ساله اش دست به دامان قانون شده بود. این زن در حالی که حکم قضایی برای دستگیری دخترش را روی میز مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری سیاد مشهد می گذاشت درباره سرگذشت تلخ خود گفت: در کلاس سوم راهنمایی درس و مدرسه را رها کردم و به امور خانه داری مشغول شدم تا این که «مرا» به خواستگاری ام آمد. آن زمان ۲۳ ساله بودم که پای سفره عقد نشستم و با او که شغل آزادداشت، ازدواج کردم. حدود سه سال بعد دخترم در حالی به دنیا آمد که شوهرم به خاطر رفیق بازی هایش به مواد مخدر آلوده شده بود و من نمی توانستم این شرایط را تحمل کنم. از همان زمان اختلافات ما شروع شد. همسرم گاهی تلاش می کرد از مواد مخدر دوری کند، ولی این مدت بسیار کوتاه بود و دوباره به مصرف ادامه می داد تا این که دیگر کارد به استخوانم رسید و تصمیم به طلاق گرفتم. آن زمان «ماریا» ۱۲ ساله بود و من برای آن که سرپرستی قانونی دخترم را بگیرم، حاضر شدم مهریه ا مرا به همسر ببخشم؛ چرا که خانواده «مرا» مدام مر ا تهدید می کردند که حضانت «ماریا» را می گیرند و من نمی توانستم حتی برای لحظه ای به جدایی از دخترم فکر کنم! این بود که برای به دست آوردن دخترم به بسیاری از خواسته های خانواده «مرا» تن دادم و زندگی جدیدی را شروع کردم، اما «ماریا» روحیه حساس و شکننده ای داشت و با هر جمله یا رفتاری که مطابق میلش نبود، به شدت آزرده خاطر و ناراحت می شد. من هم که نمی خواستم چشمان دخترم را گریان ببینم همه خواسته هایش را برآورده می کردم تا کمبود مهر پد ری را احساس نکند، ولی متأسفانه دخترم که در سن نوجوانی قرار داشت از این شرایط و دلسوزی های من نهایت سوء استفاده را می کرد. او با دوستانش به تفریح و گشت و گذار می رفت و به دختری خوشگذران تبدیل شده بود تا حدی که دیگر درس و مدرسه را هم رها کرد و بیشتر اوقاتش را با دوستان ناباشی می گذراند! در همین روزها هم با پسر جوانی به نام «کمال» آشنا شده بود و او بیبرون می رفت. من هر چه با او صحبت می کردم تا دست از این رفتارهای ناشایست خانواده «هیج» فایده ای نداشت. از سوی دیگر هم نمی توانستم درباره کارهای دخترم با کسی درد دل کنم؛ چرا که می ترسیدم خانواده «مرا» از این موضوع مطلع شوند و مرا سرزنش کنند و به این ترتیب دخترم نیز تحقیر شود. خلاصه او در ۱۹ سالگی در حالی با «کمال» ازدواج کرد که من به شدت مخالف از دواج آن ها بودم، چون او نیز پسر سر به راهی نبود. با وجود این، زندگی مشترک آن ها دو سال بیشتر دوام نداشت و «ماریا» در حالی با یک دختر زیبای کوچک به خانه ام بازگشت که به شدت به مواد مخدر صنعتی آلوده شده بود! اگر چه او قبل از ازدواج نیز با دوستانش مواد مخدر مصرف می کرد، اما حالا اوضاع تاسف باری داشت.

این در حالی بود که من هم بعد از ازدواج دخترم به عقد موفق مردی درآمده بودم تا از این تنهایی بگریزم، ولی دیگر با بازگشت دخترم، اوضاع فرق می کرد. به همین دلیل از همسر دومم نیز جدا شدم تا دوباره از دخترم نوه ام را مقبت کنم. چند بار او را در مرکز ترک اعتیاد خصوصی بستری کردم، ولی تاثیری نداشت. «ماریا» به محض این که از مرکز ترک اعتیاد بیرون می آمد دوباره لوازم استعمال مواد مخدر صنعتی را به دست می گرفت. دلم خیلی برای نوه کوچکم می سوخت، خوب می دانستم سر نوشت او نیز همانند من و مادرش خواهد شد، اما هیچ کار دیگری از دستم بر نمی آمد. در یکی از همین روزها بود که برای آخرین بار وقتی از مرکز ترک اعتیاد بیرون آمد دیگر او را ندیدم. به هر جایی که به نظر می رسید سرزد. به همه پاتوق های مصرف مواد مخدر رفتم، اما اثری از دخترم نیافتم تا این که پس از حدود دو ماه جست وجو روزی به طور اتفاقی او را در یکی از چهارراه های بولوار خیام دیدم که با دود می کشید» از رانندگان خودروهای عبوری گدایی می کرد. اشک در چشمانم حلقه زد. او را به آغوش کشیدم و های های گریه کردم، ولی دخترم حال مناسبی نداشت، حتی نمی توانست دست هایش را برای آغوش مادرش باز کند. او به زنی کارتن خواب تبدیل شده بود و حتی دخترش نیز از او خجالت می کشید. آن روز «ماریا» به آرامی از من جدا شد، ولی فهمیدم که او در همین منطقه گدایی می کند! بالاخره به دادسرای انقلاب اسلامی مراجعه کردم و از قانون برای انتقال دخترم به مرکز ترک اعتیاد دولتی کمک خواستم. آن هانیز مرا یاری کردند و حکم به دستگیری دخترم دادند. حالانیز به کلانتری سیاد اقدام کردم که کمک شما دخترم را از شرایط اسفبار بجات دهم...

گزارش روز نامه خراسان حاکی است با صدور دستوری از سوی سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سیاد) اقدامات قانونی برای دستگیری و انتقال «ماریا» به مرکز ترک اعتیاد انجام شد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی